

محدودیت‌های آمریکا در همراه ساختن چین با تحریم‌های اقتصادی ایران

فؤاد ایزدی*

اسفندیار خدایی**

چکیده

آمریکا در طول سال‌های جدال هسته‌ای، بیشتر شرکای تجاری ایران را به کاهش تجارت با تهران واداشت. اما در همین دوران، چین نه تنها تجارت با ایران را کاهش نداد، بلکه مبادلات تجاری این کشور با جمهوری اسلامی چندین برابر نیز شد و تا حدودی خلأ ناشی از عقب‌نشینی شرکت‌های اروپایی و آسیایی را جبران نمود و از فشار تحریم‌ها بر ایران کاست. این پژوهش با استفاده از روش ردیابی فرایند، به دنبال پاسخ به این پرسش است که چرا دولت اوباما نتوانست چین را همانند سایر شرکای تجاری ایران با تحریم‌ها همراه سازد و با چه محدودیت‌هایی در این زمینه مواجه بود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چندین دهه رشد اقتصادی فوق‌العاده موجب شده است که چین در جایگاهی قرار گیرد که ابزارهای قدرت آمریکا نظیر فشار، تهدید، تحریم و دیپلماسی به آسانی بر پکن کارگر نیفتد و یا برای آمریکا گران تمام شود.

واژگان کلیدی

آمریکا، چین، تحریم‌های ایران، سیاست خارجی، روش ردیابی فرایند.

f.izadi@ut.ac.ir

khodae2@gmail.com

تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۳/۷

*. دانشیار دانشگاه تهران.

** دانش‌آموخته دکتری مطالعات آمریکای شمالی، دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۹

طرح مسئله

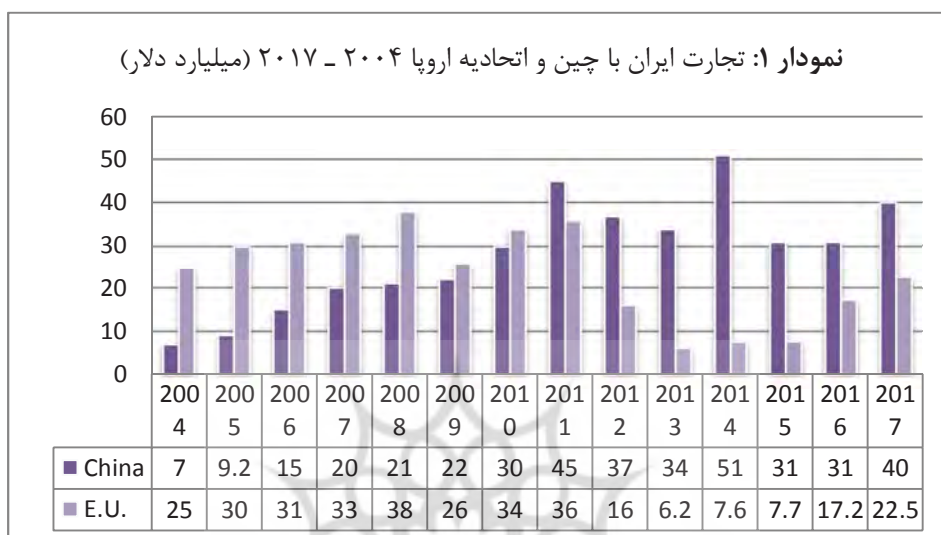
روابط امریکا و چین یکی از مهم‌ترین مسائل روابط بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم محسوب می‌شود. این روابط نه تنها برای این دو کشور مهم است، بلکه در شکل‌گیری تحولات و قواعد بازی در نظام بین‌الملل نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند. (See: Graaff & Apeldoorn, 2018, p: 115) برخی تحلیل‌گران با خوش‌بینی از دوستی و هم‌بستگی این دو قدرت بزرگ سخن می‌گویند و نوید صلح و ثبات و همکاری می‌دهند. (See: Ikenberry, 2008, p: 23; Shambaugh, 2017, p: 4) برخی نیز از وقوع جنگ و تقابل قدرت نوحاسته و قدرت هژمونی دم می‌زنند و آن را قانون طبیعت می‌دانند. (See: Gilpin, 1988, p: 612; Mearsheimer, 2017)

چین موضوع پیچیده‌ای در سیاست خارجی امریکا است. این قدرت نوظهور، نه دوست و متحد امریکا محسوب می‌شود و نه دشمن امریکا به حساب می‌آید. چین نه مانند رقیب دیرینه‌اش ژاپن، کنار امریکا می‌ایستد و سیاست خارجی خود را با امریکا همگام می‌سازد؛ و نه مانند هم‌کیش سابقش شوروی، دشمن ایدئولوژیک امریکا است و مقابله با ایالات متحده را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده است. پکن لزوماً خود را متعهد به همراهی با سیاست‌های امریکا نمی‌داند. لکن به دنبال رویارویی با واشنگتن هم نیست. بلکه راهبرد کلان چین از راه سومی حکایت دارد که مواجهه با آن برای امریکا سابقه نداشته است. (Izadi & Khodaei, 2017: 322)

امریکا و چین برداشت‌های متفاوتی از جمهوری اسلامی ایران و برنامه هسته‌ای این کشور دارند و اهداف و منافع متفاوت و بعضاً متعارضی را در این مناقشه بین‌المللی دنبال کرده‌اند. در این جدال، دولت‌های جرج بوش و اوباما سرسختانه سیاست فشار و تحریم علیه ایران را دنبال می‌کردند و در این راستا نیازمند همکاری بین‌المللی از جانب قدرت‌های بزرگ و شرکای تجاری ایران بودند. نقش چین به‌عنوان یک عضو دائم شورای امنیت و اولین شریک تجاری ایران بسیار مهم و کلیدی بوده است. در واکنش به تلاش‌های امریکا برای ائتلاف جهانی علیه ایران، مسئولان ایرانی همواره اتهامات امریکا را انکار کرده‌اند و بحران هسته‌ای را «ساختگی» و بهانه‌ای برای نیل به «اهداف استعماری» امریکا دانسته‌اند و برنامه هسته‌ای را «صلح‌آمیز و در چارچوب مقررات بین‌المللی» و «حق قانونی و مسلم» ایران اعلام کرده‌اند. (بنگرید به: روحانی، ۱۳۹۴: ۲۸ دی ۱۳۹۴؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۴ مهر ۱۳۹۱)

پس از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۶ م. و وضع اولین قطعنامه‌های این شورا، بسیاری از شرکای تجاری ایران تحت فشار امریکا و یا داوطلبانه و در راستای همگامی با سیاست‌های امریکا، تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران را متوقف یا محدود کردند. اما چینی‌ها

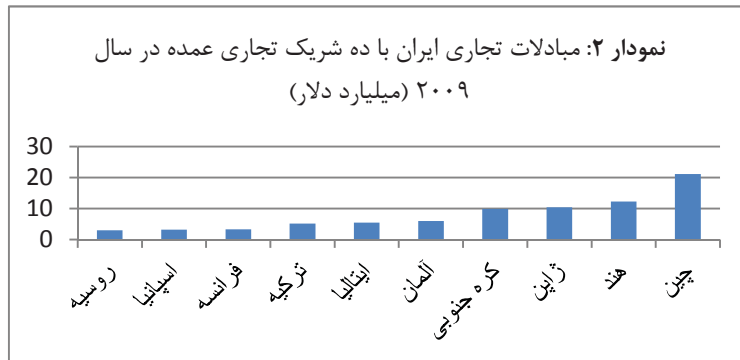
به آسانی میدان را خالی نکردند؛ بلکه عقب‌نشینی شرکت‌های اروپایی و ژاپنی از ایران، فرصت گران‌بهایی برای شرکت‌های چینی فراهم کرد تا با بهره‌گیری از خلأ موجود در بازار ایران و در غیاب رقبای پیشرفته، به منافع ارزشمندی در ایران دست یابند. آنها در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفتی گرفته تا پروژه‌های عمرانی نظیر سدسازی، مترو و راه آهن حضور یافتند. در سال ۲۰۰۷ م. یعنی یک سال پس از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، چین در جایگاه اولین شریک تجاری ایران و بالاتر از ژاپن و آلمان ایستاد (See: Financial Times, 2007). نمودار زیر تجارت ایران با چین و اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷ م. را نمایش می‌دهد.



منبع: استخراج شده از (European Commission, January 3, 2018, p:18)

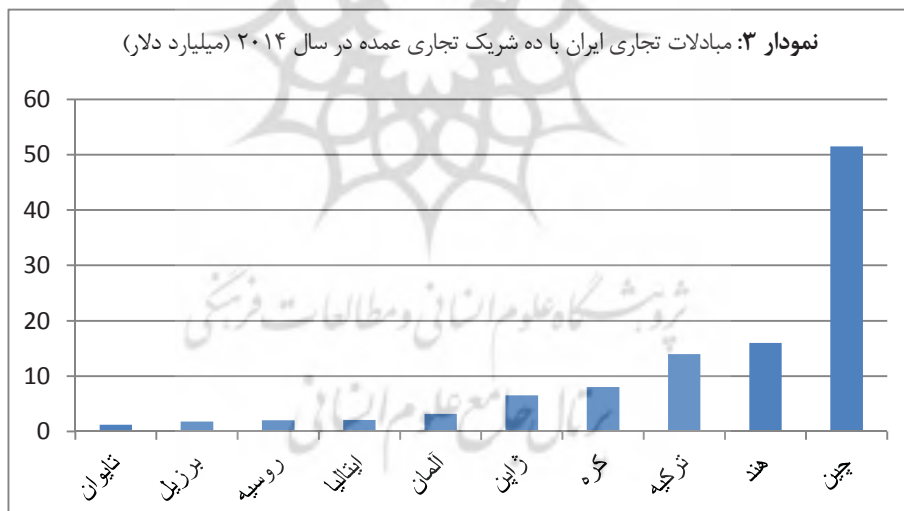
همان‌طور که در نمودار ۱ مشهود است، تجارت چین با ایران حتی در سال‌های اوج تحریم‌ها ادامه یافت؛ اما تجارت اتحادیه اروپا با ایران روند مثبتی نداشته است و به‌خصوص در سال‌های اوج تحریم‌ها یعنی ۲۰۱۵ - ۲۰۱۲ به شدت کاهش یافت. در همین سال‌ها، تجارت ایران با کره جنوبی، ژاپن و بسیاری از دیگر کشورها وضعیتی مشابه تجارت ایران با اروپا را تجربه کرد و به شدت کاهش یافت. پس از روی کار آمدن دولت اوباما در سال ۲۰۰۹ م. تلاش‌های امریکا برای جلب همکاری بین‌المللی برای فشار بر ایران ابعاد گسترده‌ای یافت و پس از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ در تابستان ۲۰۱۰ م. به اوج رسید؛ اما نخستین آثار آن در انتهای سال ۲۰۱۱ و ابتدای ۲۰۱۲ بر اقتصاد ایران مشهود گردید. اکثر شرکای تجاری ایران تحت فشار امریکا و یا داوطلبانه و در راستای همکاری با امریکا تجارت با ایران را به شدت کاهش دادند. اما چین همچنان تجارت با ایران را ادامه داد. در سال ۲۰۱۱ تجارت چین با ایران

از مجموع تجارت کشورهای اروپایی با ایران پیشی گرفت. (European Commission, 2016) نمودار زیر ده شریک تجاری عمده ایران در سال ۲۰۰۹ یعنی اولین سال دولت اوباما را به تصویر کشیده است.



منبع: استخراج شده از (European Commission, January 3, 2018)

نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد که چین اولین شریک تجاری ایران در سال ۲۰۰۹ م. بوده است، لکن میزان تجارت ایران با کشورهای نظیر هند، ژاپن، کره جنوبی، آلمان، ایتالیا و ... نیز قابل ملاحظه بوده است. نمودار شماره ۳ مبادلات تجاری ایران با ده شریک تجاری عمده در سال ۲۰۱۴ م. یعنی یک سال قبل از توافق برجام را به تصویر می‌کشد. مقایسه این نمودار با نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد که سیاست‌های دولت اوباما موجب شد بسیاری از شرکای تجاری ایران نظیر ژاپن، آلمان، کره جنوبی، ایتالیا از بازار ایران عقب‌نشینی کنند. لکن علی‌رغم فشارهای امریکا، چین همچنان تجارت با ایران را ادامه داد بلکه میزان تجارت این کشور با ایران در سال ۲۰۱۴ م. بیش از دو برابر سال ۲۰۰۹ م. بوده است.



منبع: استخراج شده از (European Commission, January 3, 2018)

بررسی نمودارهای فوق حکایت از ناکامی دولت اواما در واداشتن چین به کاهش تجارت با ایران دارد. از این رو این پژوهش به دنبال پاسخ به دو پرسش زیر است:

۱. چین چه راهبردی را در قبال تحریم‌های امریکا علیه ایران دنبال کرده است؟
۲. چرا دولت اواما نتوانست چین را همانند سایر شرکای تجاری ایران، وادار به کاهش تجارت با تهران سازد؟ به عبارت دیگر، امریکا برای همراه ساختن چین با تحریم ایران، با چه محدودیت‌هایی مواجه بود؟ در پاسخ به پرسش‌های فوق، فرضیات زیر مطرح می‌گردند:

فرضیه اول: چین راهبرد موازنه نرم را در پیش گرفت و از تقابل مستقیم با امریکا خودداری کرد و منافع کلان خود در روابط با واشنگتن را به خطر نینداخت و تحت فشار امریکا درنهایت به قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ایران رأی داد، اما از طرف دیگر، از همکاری داوطلبانه و رایگان با تحریم‌ها خودداری کرد و تجارت با تهران را افزایش داد تا سیاست تحریم ایران و سلطه امریکا بر منطقه را پرهزینه و ناکام بگذارد.

فرضیه دوم: چندین دهه رشد اقتصادی فوق‌العاده، موجب افزایش قدرت نسبی چین شده است و این کشور را در عرصه بین‌الملل در جایگاهی قرار داده است که اهداف خود را جسورانه‌تر دنبال کند و ابزارهای قدرت امریکا نظیر فشار، معامله، تحریم و تهدید پکن برای واشنگتن دشوارتر و گران‌تر از سایر کشورها باشد؛ لذا دولت اواما علی‌رغم توفیق نسبی در همراه ساختن چین با قطعنامه‌های سازمان ملل نتوانست این کشور را همانند سایر کشورها وادار به کاهش جدی تجارت با ایران سازد.

روش پژوهش

این پژوهش روش تاریخی ردیابی فرایند^۱ را برای پاسخ به پرسش و آزمون فرضیه‌ها به کار می‌گیرد و با واکاوی رفتار دولت‌های امریکا و چین در قضیه تحریم‌های ایران، راهبردها و محدودیت‌های این دو قدرت را بررسی می‌کند.

روش ردیابی فرایند در مطالعات موردی با تمرکز بر مکانیسم علی به بررسی تحولات خاصی می‌پردازد تا انگیزه‌های رفتاری افراد (یا دولت‌ها) در فرایند تصمیم‌گیری را کشف و واکاوی کند. (See: George and McKeown, 1985, p: 57) تعریف فوق در سال ۱۹۸۵ م. ارائه شده است. تعاریف متأخر مفاهیم و ضوابط روش ردیابی فرایند را روشن‌تر و عملیاتی‌تر ساخته است. مطابق یکی از این تعاریف، هدف از روش ردیابی فرایند مشخص کردن و باز کردن جعبه سیاه مکانیسم علی در

1. Process Tracing.

زنجیره علت و معلولی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته از طریق داده‌های کیفی است.

((See: George and Bennett, 2005, p: 21; Collier, 2011, p:830))

روش ردیابی فرایند مشابه کار یک بازرس یا کارآگاه جنایی است که به دنبال واکاوی یک جرم و یافتن مجرم است و کار خود را با فرضیه‌هایی در مورد جنایت شروع می‌کند. مثلاً در پرونده قتل مری به جان مشکوک است. مثلاً فلان خدمتکار می‌گوید روز قبل از حادثه، شاهد جدال لفظی جان و مری بوده است ... حرف‌های جان در پاسخ به این سؤال که در روز حادثه کجا بوده است، متناقض است و ... آثار انگشتان بر روی آلت قتاله نشان می‌دهد که ... (See: Collier, 2011, p: 827) اما روش ردیابی فرایند علی‌رغم شباهت‌هایی که به قصه‌گویی و روایت‌گری دارد، تفاوت‌های مشخصی با آنها دارد: اولاً، این روش به دنبال شواهد خاصی می‌گردد تا فرضیه خود را اثبات کند. ثانیاً، ساختاریافته است و در یک طرح پژوهشی مشخص، مقید و محدود می‌ماند. ثالثاً، بر روی مکانیسم علی و زنجیره علت و معلولی در مورد تحول خاصی متمرکز است. (Vennesson, 2008: 235)

روش ردیابی فرایند کاربرد زیادی در فهم تحولات و انگیزه رفتارها در تحقیقات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دارد. در ایران نیز برخی پژوهشگران روش ردیابی فرایند را برای تحلیل تحولاتی نظیر انقلاب اسلامی ایران و سیاست خارجی مصر به کار برده‌اند. (بنگرید به: مشیرزاده و صلواتی طرقی، ۱۳۹۳؛ طالبان، ۱۳۸۷)

اقدامات دولت اوپاما برای همراه ساختن چین با تحریم‌ها

در این بخش با استفاده از روش ردیابی فرایند، رفتار آمریکا و چین از سال ۲۰۰۹ م. که اوپاما به قدرت رسید تا سال ۲۰۱۳ م. که توافق اولیه موسوم به «موافقت‌نامه ژنو» بین ایران و ۱ + ۵ صورت گرفت، مورد بررسی قرار می‌گیرد و سیاست‌های دولت آمریکا برای همراه ساختن چین با تحریم‌های ایران و پاسخ پکن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. رفتارهای دولت اوپاما در ذیل سه عنوان «دیپلماسی و مذاکره»، «فشار و تهدید»، و «تحریم شرکت‌ها و بانک‌های چینی» قابل بررسی است.

الف) دیپلماسی و مذاکره

باراک اوپاما در تبلیغات انتخاباتی خود در سال ۲۰۰۸ م. جلوگیری از برنامه هسته‌ای ایران را برای امنیت ملی آمریکا «حیاتی» خواند و از سیاست دولت بوش در این زمینه انتقاد کرد و قول داد در صورت پیروزی، با بهره گرفتن از «تمام ظرفیت‌ها» از جمله مذاکره مستقیم با ایران، سیاست خارجی آمریکا را از بن‌بست نجات دهد. (Obama, 16 July 2008) اوپاما پس از رسیدن به قدرت، با توجه به تحولات

پیش روی ایران، از جمله انتخابات حساس ریاست جمهوری، با ادبیاتی متفاوت ظاهر شد و در پیام نوروزی آمادگی خود را برای مذاکرات مستقیم با رهبران ایران اعلام کرد و از آغازی جدید در روابط ایران و امریکا سخن گفت. (Obama, 20 March 2009) کمتر از سه ماه بعد، ناآرامی‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران در خرداد ۱۳۸۸ همه چیز را تحت تأثیر قرار داد. به تصویر ایران در عرصه بین‌الملل خدشه وارد شد و زمینه برای اعمال سیاست‌های دولت اوباما برای جلب همکاری بین‌المللی علیه ایران فراهم آمد. (مولایی، ۱۳۹۴؛ 3: Katzman, 2010 p)

در حالی که ایران درگیر ناآرامی‌های پس از انتخابات ۱۳۸۸ بود و رسانه‌ها تصاویر اعتراضات را نمایش می‌دادند، اوباما در اولین فرصت حضور در جمع سران گروه هشت در تیرماه ۱۳۸۸ در ایتالیا و سپس گروه بیست در شهریورماه همان سال در لندن، کوشید با بهره‌گیری از فضای موجود، همکاری بین‌المللی را در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران جلب کند. در پایان اجلاس گروه هشت، اوباما ایران را به میز مذاکره فراخواند و تهدید کرد با توجه به اجلاس رهبران کشورهای گروه بیست در سپتامبر (شهریور)، تهدید کرد که اگر در این فرصت دوماهه از جانب تهران اقدام متناسب صورت نگیرد، «وضعیت ایران بار دیگر بررسی خواهد شد و جامعه بین‌الملل تصمیم مقتضی خواهد گرفت». (Spetalnick, 10 July 2009)

در حاشیه اجلاس گروه ۲۰، اوباما در گفتگوی خصوصی با هوجیتائو رئیس‌جمهور چین، برنامه هسته‌ای ایران را به‌عنوان «مهم‌ترین دغدغه امنیتی امریکا» گوشزد کرد و از رئیس‌جمهور چین خواست که در این زمینه با امریکا همکاری کند. (Moore, 27 Sep 2009) کمتر از دو ماه پس از این گفتگو، سفر اوباما به پکن، اختلافات چین و امریکا در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران ابعاد آشکارتری یافت. اوباما در پکن ایران را تهدید کرد که اگر اثبات نکند که فعالیت‌های هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است، باید منتظر «عواقب» آن باشد. لکن رئیس‌جمهور چین با خون‌سردی گفت اختلافات ما با ایران «باید» از طریق «گفتگو و مذاکره» حل شود. (See: Foster, 17 Nov 2009)

۱. دیپلماسی نفتی امریکا

ایران یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان نفت دنیا محسوب می‌شود. در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ - ۲۰۰۹ م. یعنی در سال‌هایی که دولت اوباما سخت به دنبال تحریم ایران بود، این کشور روزانه ۳/۵ تا ۴/۲ میلیون بشکه نفت تولید می‌کرد و از این میزان ۲/۵ - ۲ میلیون بشکه را صادر می‌کرد. (See: EIA, 2015)

چنانچه به‌واسطه تحریم‌ها علیه ایران، عرضه نفت در بازارهای جهانی به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یافت قیمت جهانی این کالا به شدت افزایش می‌یافت و بیشترین خسارت متوجه واردکنندگان عمده نفت یعنی امریکا، چین، اروپا و ژاپن می‌شد. لذا دولت اوباما برای هموار کردن راه تحریم ایران به

متحدان نفت‌خیز خود در منطقه خلیج فارس متوسل شد تا با بهره‌گیری از رقابت‌های منطقه‌ای به‌خصوص مخالفت عربستان با برنامه هسته‌ای ایران، این کشورها را به افزایش تولید وادار کند تا چین و سایر شرکای تجاری ایران در مقابل سیاست تحریم، مقاومت کمتری از خود نشان دهند و نگران کمبود عرضه نفت در بازار نباشند. (Lounnas, 2011: 249)

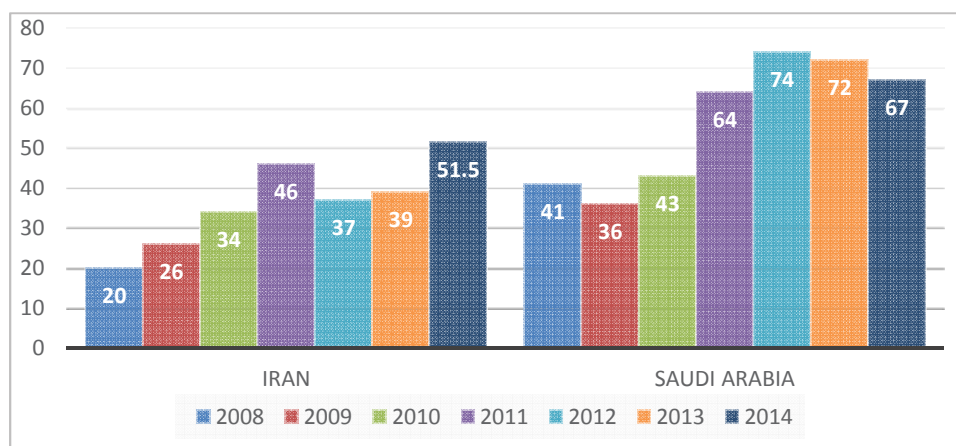
مرور تحولات به روش ردیابی فرآیند، فرضیه فوق را روشن‌تر می‌سازد. در آوریل ۲۰۰۹ م. دنیس راس، مشاور عالی اوباما در امور خاورمیانه، در سفر به عربستان و چند کشور نفت‌خیز عربی درباره افزایش تولید نفت در صورت تحریم نفتی ایران مذاکره کرد. (Clemons, 25 April 2009) هفته بعد، در سفر اوباما به ریاض برنامه هسته‌ای ایران و تحریم‌ها علیه تهران از موضوعات اصلی مذاکرات محسوب می‌شد. (CBSNews, 3 June 2009) چهار ماه بعد، عربستان سعودی به‌طور رسمی اعلام کرد که آماده است با افزایش تولید نفت «هرگونه» کاهش در بازار جهانی را جبران کند. امارات متحده عربی نیز پذیرفت که میزان صادرات نفت به چین را از ۵۰ هزار بشکه در روز به ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار بشکه افزایش دهد. (Solomon, 20 October 2009)

از طرف دیگر، دنیس راس، مشاور عالی اوباما در امور خاورمیانه و جفری بیدر، مسئول دفتر امور آسیا در وزارت خارجه آمریکا، در اکتبر ۲۰۰۹ م. (دو هفته قبل از سفر رسمی اوباما به پکن) در مذاکره با مسئولان چین از جمله رئیس‌جمهور هو جینتاو، درباره برنامه هسته‌ای ایران مذاکره کردند و تحریم‌ها را بهترین گزینه برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران خواندند. آنها پیشنهاد جایگزینی نفت عربستان و سایر کشورهای نفت‌خیز را مطرح کردند و کوشیدند مسئولان چینی را متقاعد کنند که واردات نفت از ایران را کاهش دهند. (Pomfret & Warrick, 26 Nov 2009)

۲. پاسخ پکن به دیپلماسی نفتی آمریکا

تحولات بعدی نشان داد که چین در عمل همچنان بر مواضع پیشین و تجارت با ایران پافشاری کرد. نمودار ذیل نشان تجارت چین با ایران و عربستان سعودی قبل از توافق برجام را مقایسه می‌کند و نشان می‌دهد که در سال‌های اوج تحریم یعنی ۲۰۱۵ - ۲۰۱۲ م. چندان تغییر معناداری در تجارت چین با این دو کشور رخ نداد. تجارت چین با عربستان در این سال‌ها قدری افزایش یافته است. با توجه به رشد اقتصادی بالای چین و نیاز این کشور به منابع انرژی، این افزایش طبیعی است و نمی‌توان ادعا کرد که چین از پیشنهاد مذاکره‌کنندگان آمریکا مبنی بر جایگزینی نفت عربستان به‌جای ایران استقبال کرده است؛ بلکه افزایش تجارت چین با ایران نیز آهنگی مشابه داشته است؛ بلکه با توجه به فشارهای آمریکا در سال‌های اوج تحریم‌ها، حفظ این میزان تجارت با ایران، معنادار به نظر می‌رسد.

نمودار ۴: تجارت چین با ایران و عربستان سعودی ۲۰۰۸ - ۲۰۱۴ (میلیارد دلار)



منبع: استخراج شده از (International Trade Center, 2015)

اما چرا عربستان از پیشنهاد امریکا برای جایگزینی نفت ایران استقبال نکرد؟ ملاحظات زیر رفتار چین را در این زمینه توجیه می‌کند: اولاً، عربستان سعودی در همان سال‌ها اولین تأمین‌کننده نفت چین در منطقه بود و افزایش وابستگی به یک منبع، با راهبرد کلان چین مبنی بر متنوع‌سازی^۱ منابع انرژی سازگار نبود. (Aizhu, 11 April 2017) ثانیاً، شرکت‌های چینی درآمد سرشاری از حضور در بازار انرژی ایران داشتند؛ زیرا غیبت شرکت‌های پیشرفته اروپایی، امریکایی و ژاپنی یک بازار انحصاری را در اختیار چینی‌ها قرار داده بود. این شرکت‌های چینی به سختی می‌توانستند در بازار عربستان و سایر کشورهای نفت‌خیز و در رقابت با شرکت‌های پیشرفته غربی به چنان منافع سرشاری دست یابند. ثالثاً، منافع استراتژیک چین ایجاب می‌کرد که با سیاست تحریم ایران همکاری نکند؛ چنانچه تحریم‌های اقتصادی منجر به زانو درآوردن ایران می‌شد، سلطه کامل امریکا بر منطقه محقق می‌گردید و چین بیش از گذشته وابسته به امریکا و متحدان نفت‌خیز امریکا در منطقه می‌شد. برخلاف عربستان، ایران نه تنها متحد امریکا نیست، بلکه سرسختانه مقابل سلطه امریکا بر منطقه مقاومت می‌کند و در این راستا اهداف مشترکی با چین دارد. به علاوه، در شرایطی که چین سخت نیازمند دسترسی به منابع نفت ارزان برای اقتصاد رو به رشد خود بود، عربستان و ایران آغوش خود را برای شرکت‌های چینی باز کرده بودند و در این زمینه با هم رقابت می‌کردند. در صورت همکاری چین با تحریم‌ها و جایگزین ساختن نفت ایران با نفت عربستان، و تحقق اهداف امریکا در تسلیم ایران، چین منافع اقتصادی و استراتژیک فراوانی را از دست می‌داد. (Izadi & Khodaei, 2017: 301)

1. Diversification.

ب) فشار بر چین

مذاکرات امریکا با مسئولان چینی در سال ۲۰۰۹ م. نتوانست پکن را با سیاست تحریم ایران همراه سازد و چین همچنان در مقابل صدور قطعنامه سازمان ملل علیه ایران و کاهش تجارت با این کشور مقاومت می‌کرد. در آخرین روزهای ۲۰۰۹ م. و اولین روزهای ۲۰۱۰ م. دو بار دیگر چین مخالفت رسمی خود را با افزایش تحریم‌ها و قطعنامه جدید علیه ایران اعلام کرد. (BBC, 6 Jan 2010; China Daily, 24 Dec 2009)

نیویورک تایمز گزارش داد که اوباما در اولین سفر خود به پکن با چینی روبه‌رو شد که «به آسانی به امریکا نه می‌گوید». (Cooper, 17 Nov 2009) واشینگتن پست نیز گزارش داد مسئولان چینی از پیشنهاد امریکا مبنی بر جایگزین ساختن نفت عربستان و سایر کشورهای عربی به جای نفت ایران استقبال نکردند. (Kessler, 5 Feb 2010)

در پاسخ به سیاست‌های جسورانه چین، هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه امریکا در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۰ م. با یک ادبیات بی‌سابقه، آشکارا چین را تهدید کرد که اگر با تحریم‌های شدید اقتصادی علیه ایران در سازمان ملل همراهی نکند، منتظر «ناامنی اقتصادی و انزوای بین‌المللی» باشد. (Landler, 29 Jan 2010) یک روز پس از تهدید آشکار هیلاری کلینتون علیه چین، اوباما از کارت تایوان برای فشار بر این کشور و واداشتن پکن به همراهی با سیاست تحریم ایران استفاده کرد و تصمیم خود مبنی بر فروش ۶/۴ میلیارد دلار اسلحه به تایوان را اعلام کرد. (CNN, 30 Jan 2010) در واکنش، چین به این تصمیم امریکا اعتراض کرد و آن را مداخله در امور داخلی خود خواند و تهدید کرد که شرکت‌هایی که در این معامله دخالت کنند را تحت تحریم قرار خواهد داد. (Xiaokun, 1 Feb 2010)

سرمقاله چاینادیلی، روزنامه رسمی دولت چین در واکنش به اقدام امریکا نوشت:

از حالا به بعد امریکا نباید از چین انتظار همکاری در هیچ زمینه‌ای داشته باشد. اگر شما به منافع ما توجه نمی‌کنید چرا ما باید منافع شما را در نظر بگیریم. (Xiangyang, 31 Jan 2010)

قضیه تایوان حساس‌ترین و مهم‌ترین مسئله در روابط امریکا و چین محسوب می‌شود. این قضیه همه جنبه‌های دیگر روابط این دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (Harner, 2015) بنابراین نمی‌توان تحریم‌ها علیه ایران در روابط این دو قدرت را بدون توجه به مسئله تایوان بررسی کرد؛ مخصوصاً ردیابی فرایند نشان می‌دهد که بین قضیه تایوان و برنامه هسته‌ای ایران در روابط امریکا و چین رابطه مشخص و سابقه تاریخی دیرینه‌ای وجود دارد.

در سال ۱۹۹۲ م. امریکا درصدد فروش ۱۵۰ هواپیمای جنگی F16 به تایوان بود، در واکنش، چین

نیز برای فروش سلاح و تکنولوژی هسته‌ای با ایران وارد مذاکره شد و قرارداد نظامی ۴/۵ میلیارد دلاری با تهران امضاء کرد. (Kemenade, 2010: 101) هنگامی که در سال ۱۹۹۶ م. بحران تایوان به اوج رسید و چین و امریکا در آستانه رویارویی نظامی قرار گرفتند چین همچنان همکاری خود با ایران را ادامه داد و در جایگاه اولین شریک هسته‌ای ایران ایستاد و از کارت تهران برای فشار بر واشنگتن استفاده کرد. (Spector, 12 Sep 1996)

پس از مذاکرات ۱۹۹۷ م. و مصالحه تاریخی دولت بیل کلینتون با چین، طرفین قدری از مواضع خود کوتاه آمدند. امریکا از موضع خود در قبال استقلال تایوان عقب‌نشینی کرد و در مقابل چین نیز امتیازاتی داد از جمله اینکه از مشارکت در برنامه هسته‌ای ایران عقب نشست و از آن زمان به بعد در این زمینه هیچ‌گونه همکاری مستقیمی با تهران نداشته است. (Lounnas, 2011) در آغاز سال ۲۰۱۰ م. پس از آنکه مذاکرات مستقیم دولت اوباما در همراه ساختن چین با تحریم‌های جدید علیه ایران ناکام ماند (سه هفته پس از اعلام مخالفت چین با قطعنامه ۱۹۲۹ علیه ایران و یک روز پس از تهدید آشکار هیلاری کلینتون)، دولت اوباما بار دیگر کوشید که از کارت تایوان برای فشار بر چین و واداشتن این کشور به همراهی با سیاست تحریم ایران بهره گیرد. (Kemenade, 2010: 106)

تلاش‌های امریکا برای همراه ساختن پکن به مذاکرات مستقیم، تهدید زبانی و استفاده از قضیه تایوان ختم نمی‌شود. حقوق بشر نیز یکی دیگر از کانال‌های امریکا برای فشار بر پکن است. یک ماه قبل از سفر به چین، اوباما ملاقات برنامه‌ریزی شده خود با دالایی لاما رهبر، در تبعید تبت را لغو کرد. در این زمینه واشینگتن پست گزارش داد که مسئولان کاخ سفید به نمایندگان دالایی لاما، گفته‌اند که دولت امریکا قصد دارد همکاری چین را در قضایای مهمی همانند قضیه هسته‌ای ایران و کره شمالی کسب کند لذا اوباما دیدار با دالایی لاما را لغو و به آینده موکول کرده است. (Pomfret, 5 October 2009)

لکن در فوریه ۲۰۱۰ م. سه هفته پس از اینکه هیلاری کلینتون آشکارا چین را تهدید کرد که اگر از قطعنامه شورای امنیت علیه ایران حمایت نکند «منتظر ناامنی اقتصادی و انزوای بین‌المللی باشد»، اوباما با دالایی لاما دیدار کرد و حمایت امریکا را از مردم تبت در حفظ هویت مذهبی، زبانی و فرهنگی آنها و احقاق حقوق این اقلیت اعلام کرد و از دولت چین خواست به حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی احترام بگذارد. (Cooper, 18 Feb 2010) در واکنش، وزارت امور خارجه چین سفیر امریکا در پکن را فراخواند و هشدار داد که چنانچه اوباما از این دیدار با دالایی لاما فراتر رود روابط امریکا و چین در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت. (Foster, 19 Feb 2010)

تهدیدها و فشارهای بی‌سابقه امریکا علیه چین در کنار مذاکرات گسترده، همچنین تصمیم روسیه

به حمایت از تحریم‌های جدید در شورای امنیت سازمان ملل (France 24, 15 Feb 2010) موجب شد که چین نیز موضع خود را تغییر دهد و بپذیرد که درباره قطعنامه جدید علیه ایران مذاکره کند. (Lynch, 2010) در پاسخ، دولت اوپاما نیز قدری از موضع خود عقب نشست و از فروش مدل‌های جدید هواپیمای جنگی F16 به تایوان خودداری کرد و مقرر شد که امریکا فقط هواپیماهای F16 قدیمی که در ابتدای دهه ۱۹۹۰ م. به تایوان فروخته است را مدرن و به روز کند. (Lounnas, 2011: 252)

ج) تحریم شرکت‌ها و بانک‌های چینی

در دوره ریاست جمهوری اوپاما و به خصوص پس از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت در تابستان ۲۰۱۰ م. تحریم‌های یک‌جانبه امریکا علیه شرکای تجاری ایران به شدت افزایش یافت. یک هفته بعد از تصویب این قطعنامه، کنگره امریکا با بهره‌گیری از این فضای مساعد بین‌المللی^۱ CISADA یا قانون تحریم جامع و منع سرمایه‌گذاری علیه شرکت‌های خارجی که با ایران تجارت می‌کردند و یا در پروژه‌های نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کردند را وضع کرد. (Katzman, 2013, p: 9) چین به عنوان اولین شریک تجاری ایران بیش از هر کشور دیگر در معرض تحریم‌های امریکا قرار داشت. لذا پکن به قانون جدید کنگره شدیداً اعتراض کرد و آن را مخالف قوانین بین‌المللی دانست. (Fox News, 6 July 2010)

دولت اوپاما در نیمه اول ۲۰۱۲ م. با استفاده از اختیاراتی که قوانین کنگره در اختیار رئیس‌جمهور قرار داده بودند پس از مذاکره با کشورهایی که با ایران مراوده داشتند، آنها را از تحریم‌های یک‌جانبه امریکا معاف می‌کرد مشروط بر آنکه در هر شش ماه حداقل بیست درصد از تجارت خود با ایران را کاهش دهند و به دولت امریکا گزارش دهند. با استفاده از این طرح پلکانی، شرکای تجاری ایران فرصت کافی برای خروج از ایران می‌یافتند و زیان کمتری متوجه آنها می‌شد. (Katzman, 2016: 29) در مرحله اول، دولت‌های اروپایی و ژاپن که به طور گسترده تجارت با ایران را کاهش دادند از تحریم معاف شدند. در مرحله دوم ترکیه، هند، کره جنوبی و آفریقای جنوبی - که از واردکنندگان عمده نفت ایران بودند - ضوابط فوق را پذیرفتند و از تحریم امریکا معاف شدند. (Landler, 11 June 2012) درحالی‌که چین به عنوان اولین شریک تجاری ایران میان هیچ‌کدام از این دو گروه نبود، انتظار تنش در روابط واشنگتن - پکن می‌رفت. پس از مذاکرات دوجانبه، سرانجام هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه امریکا در سومین مرحله اعلام کرد که چین هم پذیرفته است میزان واردات نفت از ایران را کاهش دهد لذا مشمول

1. The Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act (CISADA).

معافیت شش‌ماهه از تحریم‌های امریکا می‌شود. (Gladstone, 28 June 2012) لکن چین به‌طور رسمی هیچ موضعی را اعلام نکرد و آمارها نشان می‌دهد که تجارت این کشور با ایران چندان کاهش نیافت.

در سال ۲۰۱۲ م. پس از تحریم بانک‌های ایران توسط امریکا و به‌خصوص هنگامی که سیستم پولی اتحادیه اروپا SWIFT بانک‌های ایرانی را از لیست حذف کرد، مبادلات پولی با ایران دشوار گردید. نکته جالب توجه در تحریم‌های بانکی ایران این است که شرکت‌های خارجی در ازای تجارت کالاهای ایرانی نمی‌توانستند به این کشور پول بپردازند، در چنین وضعیتی این شرکت‌ها حجم زیادی از نفت و گاز ایران را به‌صورت نسبه خریداری می‌کردند و به‌گونه‌ای از این تجارت سود می‌بردند. میزان دارایی‌های بلوکه‌شده یا طلب ایران از هند تا زمان اجرایی شدن توافق برجام به بیش از هشت میلیارد دلار رسید. این رقم در مورد چین تا سال ۲۰۱۵ م. به بیش از ۲۲ میلیارد دلار رسید. (Press TV, 2015; Katzman, 2016: 21)

سیاست موازنه نرم چین

پاسخ چین در قبال تحریم ایران را نمی‌توان به‌سادگی در چارچوب همکاری یا مقابله با امریکا تعریف کرد. چین تحت فشار امریکا در نهایت به قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران رأی داد، اما همگام با روسیه، با مذاکره بر روی متن قطعنامه‌ها، از شدت تحریم‌های بین‌المللی کاست و دست از منافع اقتصادی و استراتژیک خود برنداشت. از طرف دیگر، تجارت با ایران را ادامه داد و اهداف تحریم‌های امریکا در فشار بر ایران را به چالش کشید. این راهبرد چین با مبانی موازنه نرم همخوانی دارد. چین مستقیماً مقابل امریکا نایستاد زیرا در صورت تقابل با امریکا منافع کلان این کشور به خطر می‌افتاد. میزان تجارت چین با امریکا قابل مقایسه با ایران نیست. به‌علاوه تقابل با امریکا به روابط چین با متحدان امریکا از جمله کشورهای اروپایی نیز آسیب وارد می‌کرد. اما از طرف دیگر، همراهی با تحریم‌های امریکا علیه ایران منافع اقتصادی و استراتژیک چین در منطقه را به خطر می‌انداخت.

در صورت موفقیت سیاست‌های امریکا در قبال تهران و در نهایت، تغییر حکومت ایران، امریکا بر منطقه مسلط می‌شد و چین به‌عنوان اولین واردکننده نفت، بیش‌ازپیش به متحدان امریکا در منطقه وابسته می‌شد و واشنگتن می‌توانست از این وابستگی چین به‌عنوان یک کارت در روابط خود با پکن بهره‌مند گردد. به‌علاوه، پس از تسلط بر خاورمیانه، امریکا می‌توانست با فراغ بال بیشتری بر شرق آسیا و اطراف چین متمرکز گردد. تحولاتی نظیر بازده سپتامبر، حملات امریکا به افغانستان و عراق، برنامه

هسته‌ای ایران و بحران سوریه موجب گردیده است که خاورمیانه در کانون توجه سیاست خارجی امریکا بماند و واشنگتن نتواند بر شرق آسیا متمرکز شود و سیاست‌های امریکا مبنی بر چرخش به آسیا^۱ و مهار چین، ناکام بماند؛ بلکه امریکا برای مواجهه با این مسائل، نیازمند همکاری چین گردد. لذا پکن با بهره‌گیری از این وابستگی امریکا، منافع اقتصادی و استراتژیک خود را دنبال کرده است.

استراتژی موازنه نرم این فرصت را در اختیار چین قرار داد که بدون آنکه مقابل امریکا بایستد و هزینه سنگینی بپردازد و منافع کلان خود را به خطر اندازد، با رأی دادن به قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ایران، رضایت نسبی امریکا و غرب را جلب کند و از خود یک قدرت سهامدار مسئول نمایش دهد. از طرف دیگر، همچنان منافع استراتژیک و اقتصادی خود را دنبال کند و با تضعیف متن قطعنامه‌های سازمان ملل و ادامه تجارت با ایران، زمینه ناکامی تحریم‌ها و سلطه امریکا بر منطقه را فراهم سازد. چین تا زمان توافق برجام، با در نظر گرفتن محدودیت‌های تحریم‌ها، همواره بالاترین سقف ممکن مرادوات با ایران را ادامه داد. آنچه بر اقتصاد ایران در سال‌های اوج تحریم بیشترین تأثیر را گذاشت، عقب‌نشینی سایر شرکای تجاری ایران و وضعیت ایجادشده در تحریم بانکی بود. در بدترین شرایط تحریم‌ها و فشارها یعنی سال ۲۰۱۳ م. میزان واردات نفت چین از ایران کمتر از بیست درصد کاهش یافت. در این سال، چین روزانه ۴۳۵ هزار بشکه نفت از ایران خریداری کرد (EIA, 2015) که در مقایسه با (روزانه ۵۵۵ هزار بشکه) در سال ۲۰۱۱ م. که بیشترین میزان واردات را داشته است، کاهش چشمگیری محسوب نمی‌شود.

محدودیت‌های امریکا در همراه ساختن چین

محدودیت‌های امریکا در همراه ساختن چین با تحریم‌ها را می‌توان به دو دسته «اقتصادی» و «سیاسی» تقسیم کرد. پس از توافق هسته‌ای، دولت اوباما به صراحت در مباحثات خود با مخالفان برجام در کنگره، به محدودیت‌های امریکا و دشواری‌های همراه ساختن شرکای تجاری ایران به‌خصوص چین با سیاست تحریم اعتراف کرد و ادامه، تحریم‌های ایران را برای منافع امریکا «خطرناک» توصیف کرد. به گفته اوباما:

اگر ما می‌خواهیم همچنان سیاست تحریم را ادامه دهیم، ناگزیریم که برخی بزرگترین بانک‌های دنیا را تحریم کنیم. ما باید کشورهایی همچون چین را از سیستم مالی امریکا جدا کنیم و چون (چینی‌ها) بزرگترین خریداران اوراق قرضه ما هستند، چنان اقدامی

1. Pivot to Asia.

می‌تواند اقتصاد امریکا را مختل کند و جایگاه دلار را به‌عنوان واحد اصلی ذخایر پولی جهان متزلزل کند. (Obama, 5 August 2015)

به گفته جان کری، ادامه تحریم‌ها برای امریکا بیش از حد دشوار و پرهزینه بود، و امکان همکاری برخی کشورها در این زمینه وجود نداشت، «زیرا میلیارها دلار به منافع این کشورها ضربه وارد می‌کند و چنانچه امریکا از توافق هسته‌ای خارج شود، رهبری امریکا و جایگاه دلار به خطر می‌افتد». (Kerry, 12 August 2015)

علی‌رغم تهدیدهای رسانه‌ای مسئولان امریکایی، شرکت‌های بزرگ نفتی چینی نظیر Sinopec، PetroChina، و شرکت ملی نفت چین (CNPC) که بیشترین تجارت با ایران را حتی در اوج تحریم ادامه می‌دادند، هرگز هدف تحریم قرار نگرفتند. برای امریکا بسیار پرهزینه است که چین یعنی یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری خود را تحریم کند. زیاده‌روی در استفاده از تحریم‌ها و افزایش مقررات پیچیده تجاری، موجب می‌شود که تجارت آزاد با شرکت‌های امریکایی به خطر بیفتد. نادیده گرفتن اولین اصل تجارت آزاد و تحریم شرکت‌های غول‌پیکر چینی موجب می‌شود که تجارت با امریکا دشوار و خطرناک به نظر برسد و در نتیجه بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، برخی از شرکت‌های رقیب امریکا را بر شرکت‌های امریکایی ترجیح بدهند. (Lew, 30 Mar 2016)

همچنان که حساسیت امریکا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران افزایش می‌یافت، احتمال استفاده از گزینه تحریم علیه چین و سایر شرکای تجاری ایران بیشتر می‌شد. مطابق قانون تحریم ده ساله ایران موسوم به داماتو (سال ۱۹۹۶ م.) که در سال ۲۰۰۶ م. با تغییر نام به قانون تحریم ایران (ISA) تمدید شد، چنانچه منافع مهم امریکا به واسطه تحریم‌ها به خطر بیفتند رئیس‌جمهور مجاز است که قانون فوق را نادیده بگیرد. (Rapoza, 2013 p: 8) لکن مطابق قانون تحریم جامع ایران CISADA سال ۲۰۱۰ م. فقط در مواردی که ضروری باشد رئیس‌جمهور مجاب است که قانون را موقتاً نادیده بگیرد (CISADA, 2010: 5) همچنان که حساسیت ایجاد شده علیه برنامه هسته‌ای ایران به اوج خود می‌رسید، در سال ۲۰۱۲ م. قوانین جدید کنگره علیه ایران فقط در مواردی که تحریم‌ها منافع حیاتی امریکا را به خطر می‌انداخت قابل چشم‌پوشی توسط دولت امریکا بود. (ITRA, 2012) لذا جدال دولت امریکا در تحریم شرکت‌های چینی که با ایران مراوده داشتند پس از ۲۰۱۰ م. و به‌خصوص پس از ۲۰۱۲ م. شکل جدی به خود گرفت.

وابستگی اقتصادی متقابل امریکا و چین موجب شده است که هر دو کشور از تصمیمات رادیکالی که منافع اقتصادی آنها را به خطر می‌اندازد، خودداری کنند. از ابتدای دهه ۱۹۹۰ م. تاکنون، کاندیداهای ریاست جمهوری امریکا همواره به ادبیاتی تهاجمی در مواجهه با چین متوسل شده‌اند. اما در عمل روابط

اقتصادی آنها همواره گسترش یافته است. بیل کلینتون در تبلیغات خود از ریگان و جرج بوش پدر انتقاد می‌کرد که چرا دیکتاتورهای چینی که مردم این کشور را قتل عام می‌کنند را در آغوش می‌گیرند. اما پس از پیروزی کلینتون در انتخابات، روابط این کشور با چین بسیار بهتر شد. جرج بوش، باراک اوباما و دونالد ترامپ نیز با نظیر همین ادبیات تهاجمی در انتخابات، پس از پیروزی، همواره از ایجاد چالش جدی با چین و به خطر انداختن این روابط پرهیز کرده‌اند (Huenemann, 2018 p: 153) زیرا آسیب زدن به این روابط، آثار منفی جدی در اقتصاد آمریکا به دنبال دارد و غیبت اجناس چینی ارزان قیمت در بازار آمریکا، تورم را بالا می‌برد و رضایت رأی‌دهندگان آمریکایی از دولت حاکم را به خطر می‌اندازد.

از نظر سیاسی نیز آمریکا با محدودیت‌های جدی در همراه ساختن چین با سیاست‌های خود مواجه است. اولاً تصمیم‌سازان دولت آمریکا هرگز نتوانسته‌اند به یک اجماع مشخص در قبال چین دست یابند. بر خلاف شوروی، چین به دنبال توسعه‌طلبی نیست و مستقیماً مقابل آمریکا نمی‌ایستد؛ لکن چین برخلاف ژاپن با سیاست‌های آمریکا همراهی نمی‌کند. این وضعیت موجب بروز پارادکس در سیاست‌های آمریکا در قبال چین شده است. دولت‌های آمریکا همگام با متحدان خود روابط گسترده اقتصادی با چین برقرار کرده‌اند و با رشد اقتصادی چین همکاری کرده‌اند. همین رشد اقتصادی موجب شده است که چین در بُعد بودجه نظامی و رفتار سیاسی جسورتر و قدرتمندتر گردد و سیاست مهار چین ناکام بماند.

ثانیاً متحدان آمریکا نیز منافع کلان خود را در بسط و حفظ روابط با چین می‌دانند و چین را تهدیدی چون شوروی نمی‌پندارند و از تقابل با چین استقبال نمی‌کنند.

ثالثاً آمریکا نیازمند همکاری چین در زمینه‌های مختلف در مواجهه بحران‌هایی چون یازده سپتامبر است. چین به‌عنوان یک عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل، کارت خود را رایگان در قضیه‌ای مثل تحریم‌های ایران، در اختیار آمریکا نمی‌گذارد.

رابعاً از عصر نیکسون تاکنون، دولت‌های آمریکا همواره کوشیده‌اند که با حفظ روابط با چین، مانع پیوستن این کشور بزرگ به ائتلاف‌های ضد آمریکایی شوند و از رایکال شدن سازمان‌هایی چون سازمان شانگ‌های و بریکس جلوگیری کنند.

سرانجام اینکه چین یک قدرت هسته‌ای است که در مقابل آمریکا دست‌وپا بسته نیست و با رشد اقتصادی سریع خود، همراهی مردم این کشور را پشت‌سر دارد و آمریکا ابزار نفوذ کافی در این قدرت آسیایی را ندارد.

نتیجه

سیاست تحریم ایران پس از روی کار آمدن دولت اوباما، ابعاد گسترده‌ای یافت. آمریکا از طرفی،

دیپلماسی فعالی برای جلب حمایت چین با سیاست تحریم ایران در پیش گرفت و در سطوح مختلف در مورد برنامه هسته‌ای ایران با پکن مذاکره کرد و با تمرکز بر دغدغه‌ها و منافع مشترک نظیر دسترسی به منابع انرژی ارزان و امنیت منطقه خاورمیانه، کوشید چین را با سیاست تحریم همراه سازد. از طرف دیگر، دولت اوپاما با بهره‌گیری از دست بالاتر امریکا در نظام بین‌الملل و منابع قدرت افزون‌تر، از جنبه‌های مختلف چین را تحت فشار قرار داد.

چین با اتخاذ راهبرد موازنه نرم، با توجه به حساسیت امریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران، مستقیماً مقابل امریکا نایستاد، بلکه در مقام یک سهامدار مسئول ظاهر شد. منافع کلان خود در رابطه با امریکا و غرب را به خطر نینداخت و در نهایت به تمام قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ایران رأی مثبت داد؛ اما پس از مذاکرات طولانی و پس از تغییرات یا تلطیف متن این قطعنامه‌ها و همچنین تأخیر در صدور و داوطلبانه خواندن مفاد آنها تا منافع استراتژیک و اقتصادی خود را حفظ کند.

چین هرگز داوطلبانه و به طور مجانی با امریکا همکاری نکرد، بلکه در شرایطی که اروپایی‌ها و حتی همسایگان، ایران را تنها گذاشتند پکن به دلیل ملاحظات استراتژیک و منافع اقتصادی، روابط خود را با ایران حفظ کرد و به‌گونه‌ای رفتار کرد که سیاست تحریم ایران برای امریکا گران تمام شود. واشنگتن در هدف نهایی خود در تسلیم ساختن ایران ناکام ماند و سلطه کامل امریکا بر منابع انرژی خاورمیانه محقق نشد، بلکه امریکا همچنان در این منطقه گرفتار ماند و نتوانست بر شرق آسیا و اطراف چین متمرکز شود. یافته‌های این پژوهش، در تأیید فرضیه اصلی نشان می‌دهد که ابزارهای قدرت امریکا برای همراه ساختن چین با سیاست تحریم ایران در مقایسه با سایر شرکای تجاری تهران نظیر ژاپن، کره جنوبی و آلمان، کارایی کمتری داشته است. امریکا برای تصویب قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ایران نیازمند رأی چین بود. استفاده از ابزار تحریم چین نیز برای دولت اوپاما دشواری‌هایی داشت و می‌توانست هزینه سنگینی برای امریکا به‌عنوان اولین شریک تجاری این قدرت نوظهور به‌دنبال داشته باشد. دولت اوپاما در مجادلات با مخالفان برجام در کنگره به برخی از این ریسک‌ها و هزینه‌های اقتصادی تحریم چین معترف شد. لکن در بُعد سیاسی نیز امریکا با محدودیت‌های جدی در وادار ساختن چین با سیاست‌های خود مواجه است. برخلاف شوروی سابق، چین مستقیماً مقابل امریکا نمی‌ایسند، لکن جسورانه اهداف استراتژیک و اقتصادی خود را دنبال می‌کند. راهبرد موازنه نرم چین موجب شده است که امریکا نیز سیاستی دوگانه و حتی متعارض در قبال چین دنبال کند و تصمیم‌سازان امریکایی در قبال استراتژی روابط با چین به اجماع نرسند. همین قضیه در قبال متحدین امریکا نیز صادق است و آنها نیز گرچه با خیزش چین میانه خوبی ندارند، اما منافع خود را در تقابل با چین هم نمی‌دانند. تقابل با چین نه‌تنها

هزینه‌های اقتصادی سنگینی دارد، بلکه از نظر سیاسی نیز موجب می‌شود که پکن به ائتلاف‌های ضد امریکایی نزدیک شود و از همکاری با امریکا در زمینه‌های مختلف خودداری کند.

منابع و مآخذ

۱. احمدی‌نژاد، محمود، ۴ مهر ۱۳۹۱، سخنرانی احمدی‌نژاد در سازمان ملل، خبرگزاری ایسنا.
۲. روحانی، حسن، ۲۸ دی ۱۳۹۴، نامه روحانی به رهبر انقلاب: ملت بزرگ ایران عزتمندانه مقاومت، مذاکره و توافق کرد، خبرگزاری ایسنا.
۳. طالبان، محمدرضا، ۱۳۸۷، «تأملی بر تکنیک ردیابی فرایند در مطالعات انقلاب اسلامی ایران»، پژوهشنامه متین پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ش ۱۲، ص ۱۱۶ - ۹۱.
۴. مشیرزاده، حمیرا و فاطمه صلواتی طرقی، ۱۳۹۳، «برداشت از نقش ملی: سیاست خارجی مصر در دوره انور سادات و حسنی مبارک»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، ش ۱۲، ص ۱۹۱ - ۱۶۳.
۵. مولایی، حسین، ۱۳۹۴، بازخوانی تحریم‌های غرب علیه ایران پس از فتنه ۸۸، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
6. Aizhu, C, April 11, 2017, *Diversify or die: China's independent oil refiners adapt to new challenges*, Reuters, <https://www.reuters.com/article/us-china-oil-teapots/diversify-or-die-chinas-independent-oil-refiners-adapt-to-new-challenges-idUSKBN17D.I2>.
7. BBC, Jan 6, 2010, *China again rejects UN sanctions against Iran*, BBC News.
8. CBSNews, June 3, 2009, *Obama Visits Saudi King Before Key Speech*.
9. China Daily, Dec 24, 2009, *China: sanctions not key to Iran nuclear issue*.
10. CISADA, July 1, 2010, *CISADA: The New U.S. Sanctions on Iran, The Financial Provisions of "CISADA"*, the Department of Treasury, https://www.treasury.gov/resource_center/sanctions/Programs/Documents/CISADA-english.pdf.
11. Clemons, S, April 25, 2009, *US-Saudi Relations in a World Without Equilibrium*.
12. CNN, 30 Jan 2010, *U.S. announces 6.4 \$ billion arms deal with Taiwan*, <http://edition.cnn.com/2010/WORLD/asiapcf/29/01/taiwan.arms>.
13. Collier, D, 2011, *Understanding process tracing, PS Political science and politics 44.4*, <http://polisci.berkeley.edu/sites/default/files/people/u3827/Understanding%20Process%20Tracing.pdf>, 823-830.
14. Cooper, H, Feb 18, 2010, *Obama Meets Dalai Lama, and China Is Quick to Protest*, the New York Times.
15. _____, Nov. 17, 2009, *China Holds Firm on Major Issues in Obama's Visit*, New York Times, <http://www.nytimes.com/2009/11/18/world/asia/18prexy.html>.
16. EIA, 2015, *International Energy Statistics. US Energy Information Administration*, <http://www.eia.gov/cfapps/ipdbproject/iedindex3.cfm?tid=5&pid=53&aid=1>.
17. European Commission, 2016, *Countries and regions, Iran*, <http://ec.europa.eu/trade/policy/countries-and-regions/countries/iran/>.

18. _____, January 3, 2018, Iran, <http://trade.ec.europa.eu/>.
19. Financial Times, 2007, *Chinese banks put curbs on Iran*, <https://www.ft.com/content/ddbf5c10-a36f-11dc-b229-0000779fd2ac>.
20. Foster, P, Feb 19, 2010, *China summons US ambassador to protest Barack Obama's meeting with Dalai Lama*, the Telegraph.
21. _____, Nov 17, 2009, *Barack Obama and Hu Jintao remain divided on key issues*, the Telegraph.
22. Fox News, July 06, 2010, *China objects to US sanctions against Iran, saying UN sanctions don't need expanding*, Fox News.
23. France 24, Feb 15, 2010, *Hillary Clinton to push for tougher Iran sanctions on Gulf tour*, <http://www.france24.com/en/20400214-hillary-clinton-push-tougher-iran-sanctionsgulf-tour>.
24. George and Bennett, 2005, *Case Studies and Theory Development in the Social Sciences*, Cambridge, MA: MIT Press.
25. George and McKeown, 1985, Case studies and theories of organizational decision making, *Advances in information processing in organizations 2.1*, P. 21-58.
26. Gerring, J, 2009, *Case Study Research. Principles and Practices*, New York: Cambridge University Press.
27. Gilpin, R, 1988, *The theory of hegemonic war. The journal of interdisciplinary History 18.4*, 591-613.
28. Gladstone, R, June 28, 2012, *U.S. Exempts Singapore and China on Iran Oil*, . New York Times.
29. Graaff, N. D., & Apeldoorn, B. V, 2018, US-China relations and the liberal world order: contending elites, colliding visions?, *International Affairs*, 94: 1, P. 113-131.
30. Harner, S, 2015, How To Solve The 'Taiwan Problem' In U.S.China Relations, *Forbes Asia*.
31. Huenemann, R. W, 2018, United States–China Trade: President Trump's Misunderstandings, *Asia & the Pacific Policy Studies 5.1*, 150-154.
32. Ikenberry, J. G, 2008, The Rise of China and the Future of the West, *FOREIGN AFFAIRS-NEW YORK-87.1*.
33. International Trade Center, 2015, *ITC by Country Report: Iran*, <http://www.intracen.org/layouts/downloadcountryreport.aspx?id=777>.
34. ITRA, 2012, H.R.1905-Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012, <https://www.congress.gov/bill/112th-congress/house-bill/1905>.
35. Izadi, F., & Khodaei, E, 2017, The Iran Factor in U.S.China Relations: Guarded Engagement vs, *Soft Balancing. China Quarterly of International Strategic Studies*, 03:02, <https://doi.org/10.1142/S2377740017500105>, 299-323.
36. Katzman, K, 2010, *Iran: US concerns and policy responses*, DIANE Publishing.
37. _____, 2013, *Iran Sanctions. Congressional Research Service*, RS20871.
38. _____, 2016, *Iran Sanctions. Congressional Research Center*, Report: RS20871.
39. Kemenade, W. v, 2010, China vs. the Western Campaign for Iran Sanction, *The Washington Quarterly*, 99-114.
40. Kerry, J, August 12, 2015, Dollar could suffer if U.S. walks away from Iran deal: John Kerry, *Reuters*, <http://www.reuters.com/article/us-iran-nuclear-kerry-idUSKCN.QG1V020150812>.

41. Kessler, G, Feb 05, 2010, China throws kink into U.S. led push for sanctions on Iran, *The Washington Post*.
42. Landler, M, 11 June, 2012, U.S. Exemptions From Iran Oil Sanctions Leave Out China, *the New York Times*.
43. Landler, M, Jan 29, 2010, Clinton Warns China on Iran Sanctions. *The New York Times*.
44. Lew, J, Mar 30, 2016, Lew says US sanctions can backfire, *Financial Times*, <https://www.ft.com/content/10e827c-f69b-11e5-96db-fc683b5e52db>.
45. Lounnas, D, 2011, China and the Iranian Nuclear Crisis: Between Ambiguities and Interests, *European Journal of East Asian Studies*, EJEAS, N.10, p.227-253.
46. Lynch, C, 2010, Debate over Iran sanctions threatens to split the Security Council, *Foreign Policz*.
47. Mearsheimer, J, 2017, Trump should Emprace a Realist Foreign Policy. *Εκδόσεις Πιούτητα*, <https://piotita.gr/>.
48. Moore, M, Sep 27, 2009, China 'may support' UN sanctions against Iran, *the Telegraph*.
49. Obama, B, 16 July, 2008, Full text: Obama's foreign policy speech, *the Guardian*.
50. _____, August 05, 2015, Remarks by the President on the Iran Nuclear Deal, *The White House*, <https://www.whitehouse.gov/the-press.office/2015/08/05/remarks-president-iran-nuclear-deal>.
51. _____, March 20, 2009, Barack Obama offers Iran 'new beginning' with video message, *the Guardian*.
52. Pomfret, & Warrick, J. a, Nov 26, 2009, China's backing on Iran followed dire predictions, *the Washington Post*.
53. _____, October 5, 2009, Obama's Meeting With the Dalai Lama Is Delayed. *the. Washington Post*.
54. Press TV, 2015, 8.8 \$ billion Iran money blocked in India.
55. Rapoza, K, Jan 23, 2013, Is China's Ownership Of U.S. Debt A National Security Threat? *Forbes*, <https://www.forbes.com/sites/kenrapoza/2013/01/23/is-chinas-ownership-of-u-s-debt-a-national-security-threat/#592e1ace156d>.
56. Shambaugh, D, 2017, Dealing with China: Tough Engagement and Managed Competition, *Asia Policy 23.1*, P. 4-12.
57. Solomon, J, October 20, 2009, U.S. Enlists Oil to Sway Beijing's Stance on Tehran, *the Wall Street Journal*.
58. Spector, L, Sep 12, 1996, Chinese Assistance to Iran's Weapons of Mass Destruction and Missile Programs, *arnegie Endowment for International Peace*.
59. Spetalnick, M, Jul 10, 2009, Obama uses G8debut to issue warning to Iran, *Reuters*.
60. Vennesson, P, 2008, Case studies and process tracing: theories and practices, *Approaches and methodologies in the social sciences*, P. 223-239.
61. Xiangyang, H, Jan 31, 2010, Get back when attacked, *China daily*.
62. Xiaokun, L, Feb 1, 2010, Beijing furious at arms sales to Taiwan, *China Daily*.